

تحلیل سیاسی هفته (۱۹)  
تحلیلی بر دور تازه مذاکرات سازش فلسطینی - اسرائیلی  
با میانجیگری آمریکا

نام دفتر: مطالعات سیاسی  
شماره مسلسل: ۲۶۰۱۳۱۳۸  
تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۵/۲۰

### مقدمه

دور جدید مذاکرات سازش میان فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی با میانجیگری آمریکا در واشنگتن شروع شد و آن‌گونه که مقامات آمریکایی می‌گویند، این مذاکرات به مدت ۹ ماه ادامه خواهد یافت تا به نتیجه قطعی برسد.

روند این مذاکرات که به شکل کلی آن پس از جنگ ۲۲ روزه غزه و پیروزی مقاومت اسلامی فلسطین در نبرد با ارتش رژیم صهیونیستی به بن‌بست رسیده بود، اکنون با تلاش‌های دولت باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا و میانجیگری مستقیم وزیر امور خارجه این کشور از سر گرفته شده است. طراحان دور تازه مذاکرات در صددند تا با استفاده از فرصت و شرایط پیش آمده در منطقه، این مذاکرات را به نقطه قابل قبولی رسانده و به‌زعم خود به مسئله اعراب و رژیم صهیونیستی از طریق تشکیل دو کشور فلسطینی - اسرائیلی پایان دهند.

با توجه به اهمیت موضوع، تبیین مذاکرات کنونی از حیث تشریح دلایل برگزاری آن در شرایط فعلی، طرح‌ها و دیدگاه‌های رژیم صهیونیستی، مخالفت‌های فلسطینی و منطقه‌ای با مذاکرات و در نهایت دیدگاه‌های بین‌المللی نسبت به آن قابل تأمل و ضروری است.

### چگونگی شکل‌گیری دور جدید مذاکرات سازش

دور جدید مذاکرات سازش میان طرف فلسطینی (تشکیلات خودگردان به ریاست محمود عباس) و طرف صهیونیستی با میانجیگری مستقیم آمریکا شکل گرفته است و با توجه به شواهد موجود هیچ‌یک از طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در آن مشارکت نداشته و ندارند. به نظر می‌رسد باراک اوباما در صدد آن است تا با توجه به شرایط منطقه‌ای و همچنین دیدگاه‌های سیاسی و راهبردی خود در مورد مسئله فلسطین، به وعده انتخاباتی‌اش مبنی بر تشکیل دو کشور مستقل فلسطینی و اسرائیلی جامه عمل بپوشاند. این در حالی است که وی در دور دوم ریاست‌جمهوری خود فارغ از فشارهای لابی صهیونیستی و حامیان رژیم اسرائیل در آمریکا با آمادگی بیشتری وارد این حوزه شده است.

مأموریت مستقیم جان کری به‌عنوان وزیر خارجه آمریکا برای فراهم کردن مقدمات این دور از مذاکرات نشان از اهمیت آن برای واشنگتن دارد. برخی از فرستاده‌های پیشین آمریکا در خاورمیانه مانند جان میچل به‌دلیل سرسختی‌های طرف اسرائیلی در مذاکرات شکست خورده و استعفا داده بودند. از این رو لازم بود که در دور جدید، مقامی بلندپایه‌تر وارد عرصه مذاکرات شود تا بتواند دو طرف را وادار به نشستن بر سر میز مذاکره کند.

در این میان موضع ضعیف بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را نباید فراموش کرد. او در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا به‌صورت آشکار جانب میت رامنی جمهوریخواه رقیب انتخاباتی اوباما را گرفت و همه کارت‌های خود را در سبد وی انداخت. با این حال با تداوم حضور اوباما در کاخ سفید وی به‌دنبال آن است که به نوعی این اشتباه راهبردی خویش را جبران کرده و با حاضر شدن پای میز مذاکره اندکی از فشارهای موجود بر دولت ائتلافی‌اش بکاهد.

### ظرف زمانی برگزاری مذاکرات سازش

دور جدید مذاکرات سازش پس از سه سال وقفه برگزار می‌شود، این مذاکرات در یک ظرف زمانی خاص که ناشی از شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی است برگزار می‌شود و واشنگتن تلاش می‌کند تا با بهره‌برداری از این شرایط مذاکرات را مطابق با منافع و

ملاحظات خود به نتیجه برساند. به طوری کلی این شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. تحولات منطقه‌ای اخیر به نحوی است که کشورهای عربی را به شدت درگیر مسائل داخلی خود کرده است. از یک سو مصر به عنوان متحد آمریکا و اسرائیل در پرونده سازش درگیر بازی انتقال قدرت از اخوان المسلمین به جریان لیبرالی و تکنوکرات‌های نزدیک به نظامیان شده است. از سوی دیگر سوریه به عنوان یکی از طرف‌های مهم تأثیرگذار منطقه و از بازیگران مخالف روند سازش در طول دو سال گذشته سرگرم نبرد با جریان‌های تکفیری و تروریستی مورد حمایت آمریکا، ترکیه، برخی کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی بوده و در نتیجه توان آن برای تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای کاهش یافته است. دیگر کشورهای عربی مانند قطر، عربستان سعودی، اردن و امارات متحده عربی نیز نتوانسته‌اند از حاشیه این درگیری‌ها دور بمانند و عملاً در متن آن حاضر بوده و بیشتر توان دیپلماتیک و امنیتی خود را صرف رصد، پیگیری و جلوگیری از شیوع این بحران در قلمرو خود کرده‌اند. به این ترتیب تمرکز آنها نیز بر مسئله فلسطین کاهش یافته است.

۲. آمریکا و رژیم صهیونیستی بر این باورند که با درگیری‌های سوریه دو عضو بارز محور مقاومت یعنی ایران و حزب‌الله لبنان در حال حاضر قادر به استفاده از ظرفیت خود برای اعمال فشار بر این مذاکرات نیستند.

۳. جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، به عنوان یکی از اعضای محور مقاومت پس از بحران سوریه عملاً اصل مقاومت را رها کرد و با قرار گرفتن در کنار محور ممانعت به رهبری عربستان و سپس بروز علقه‌های اخوانی و ترجیح این علاقه بر سرنوشت فلسطین فرصتی را در اختیار آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار داد تا از شکاف به وجود آمده نهایت بهره‌برداری را به عمل آورند.

۴. رژیم صهیونیستی پس از دو جنگ ۲۲ روزه و هشت روزه غزه به این نتیجه رسید که نمی‌تواند از نظر نظامی بر جریان مقاومت فائق آید. از نظر این رژیم با مسلح شدن گروه‌های مقاومت فلسطینی به موشک‌های دوربرد که قادر به هدف‌گیری قلب تل‌آویو و قدس غربی هستند، بهتر است دور تازه‌ای از مذاکرات آغاز شود تا از این طریق سران صهیونیستی، خود را مدافع صلح و مخالف جنگ نشان دهند.

۵. پس از تحولات اخیر در منطقه موقعیت محمود عباس و تشکیلات خودگردان فلسطین به شدت تضعیف شد. نیاز بود که عباس و مجموعه وی به عنوان تنها منجیان فلسطین و تشکیل‌دهنده کشور فلسطینی بار دیگر در صدر اخبار قرار گیرند.

۶. آمریکا خارج از کمیته چهارجانبه صلح - متشکل از اروپا، روسیه و سازمان ملل و ایالات متحده - مذاکرات را به صورت یکجانبه شکل داد. این اقدام نوعی واکنش به رفتار روسیه در قبال تحولات سوریه محسوب می‌شود. آمریکا عملاً سازمان ملل و اروپا را هم وارد این بازی نکرد تا خود به تنهایی آنچه را تشکیل کشور مستقل فلسطینی می‌خواند به پیش برد.

۷. باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا، پیش از پایان دوره ریاست‌جمهوری خود نیاز به یک دستاورد مهم در منطقه خاورمیانه دارد و در این مورد حل کردن بحران فلسطین و تشکیل یک کشور مستقل می‌تواند هدف غایی او را در این زمینه تأمین کند.

۸. واشنگتن بر آن است تا برگه فلسطین را از دست ایران و محور مقاومت خارج کند و به این منظور به تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی در محدوده مرزهای اشغالی ۱۹۶۷ نیاز دارد تا به این ترتیب به زعم خود از محبوبیت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان اسلام به عنوان مدافع اصلی فلسطین بکاهد.

۹. بیداری اسلامی منجر به حاشیه‌ای شدن نقش آمریکا در منطقه شده است. از این رو این کشور بر آن است تا با استفاده از ظرفیت موجود در مسئله فلسطین و از جمله از سرگیری مذاکرات سازش خود را وارد متن ماجرا کند.

۱۰. در سرزمین‌های اشغالی فلسطین دولت ائتلافی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برخی از اعضای افراطی خود مانند اویگدور لیبرمن رئیس حزب اسرائیل بیتنا را در ترکیب خود ندارد و افرادی مانند تزیپی لیونی که به مذاکره با فلسطینی‌ها باور دارند، در این کابینه حضور دارند. بنابراین نتانیاهو در بُعد داخلی ناچار است دولت ائتلافی را از طریق انجام مذاکره با فلسطینی‌ها راضی کند.

۱۱. تداوم شهرک‌سازی صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ و مصادره زمین‌های فلسطینی‌ها باعث تضعیف

جایگاه رژیم صهیونیستی در جهان و نوعی انزوای بین‌المللی آن شده است؛ تا جایی که اتحادیه اروپا واردات تولیدات این شهرک‌ها به داخل کشورهای عضو را ممنوع کرد. در این شرایط مذاکره با فلسطینی‌ها می‌تواند فشارهای بین‌المللی بر این رژیم را اندکی کاهش داده و باعث ایجاد فضای مانور تبلیغاتی و امکان تنفس سیاسی برای این رژیم شود.

## واکنش‌ها به شروع دور جدید مذاکرات سازش

از سرگیری مذاکرات سازش میان تشکیلات خودگردان فلسطین و رژیم اسرائیل، با واکنش‌های متفاوتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه شد.

۱. **سطح منطقه‌ای:** سرگرم شدن کشورهای منطقه به تحولات اخیر ناشی از قیام‌های مردمی باعث شده تا آنها عملاً به شروع مذاکرات سازش واکنش عملی چندانی نشان ندهند. برخی از این کشورها مانند اعضای شورای همکاری خلیج فارس و اردن خود از همراهان این مذاکرت بوده و هستند، مصر نیز سرگرم درگیری سیاسی درونی است و عملاً نمی‌تواند در این مورد نقش مثبت یا منفی داشته باشد.

در این میان سوریه با وجود درگیری‌های داخلی از سرگیری مذاکرات سازش را محکوم کرد، حزب‌الله لبنان این مذاکرات را بی‌نتیجه خواند و جمهوری اسلامی ایران نیز از طریق موضع‌گیری ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و سخنگوی وزارت امور خارجه واکنش قاطعی در رد مذاکرات سازش داشت.

در مقابل عدم واکنش منسجم کشورهای عربی، محمد صبیح، معاون دبیرکل اتحادیه عرب در امور فلسطین اعلام کرد، نسبت به روند مذاکرات سازش میان فلسطینیان و رژیم صهیونیستی که با نظارت آمریکا در واشنگتن آغاز شده، خوشبین نیست.

۲. **واکنش فلسطینی‌ها:** در داخل فلسطین نیز جنبش‌های فلسطینی حماس و جهاد اسلامی از سرگیری مذاکرات را محکوم کردند و موسی ابومرزوق نایب رئیس دفتر سیاسی حماس شروع این مذاکرات را دلیلی بر نابودی طرح آشتی ملی فلسطینی‌ها خواند.

تضعیف جایگاه حماس به دلیل تغییر جهت از محور مقاومت به ممانعت باعث بروز اختلاف میان سران این جنبش و عدم توانایی آنها در نشان دادن واکنش مناسب به این مسئله شد، کماینکه به دلیل حضور برخی جریان‌های تروریستی فعال در صحرای سینا، ارتش مصر بیشتر تونل‌های باریکه غزه را منهدم کرد و این مسئله باعث تضعیف موقعیت اقتصادی حماس و بروز برخی اعتراضات مردمی علیه آن شد. برخی اعتراضات صورت گرفته توسط ساکنان کرانه باختری رود اردن نیز با خشونت نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین عملاً سرکوب شد. آمریکا، اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین از این موضوع نهایت بهره‌برداری را کرده و طرح سازش را با استفاده از این موقعیت بار دیگر در دستور کار قرار دادند.

۳. **بُعد بین‌المللی:** در بُعد بین‌المللی نیز علاوه بر دبیرکل سازمان ملل، برخی کشورهای اروپایی و چین حمایت خود را از شروع مذاکرات صلح اعلام کردند. کمیته چهارجانبه خاورمیانه نیز اعلام کرد از هر نظر از مذاکرات سازش میان فلسطین و اسرائیل حمایت می‌کند. بیانیه این کمیته درحالی منتشر می‌شود که آنها خود هیچ نقشی در از سرگیری این مذاکرات ندارند و بر این اساس وعده داده‌اند که به‌زودی نشست را در این رابطه تشکیل می‌دهند.

۴. **واکنش صهیونیست‌ها به شروع مذاکرات سازش:** واکنش‌های صورت گرفته در داخل سرزمین‌های اشغالی فلسطین به از سرگیری مذاکرات سازش نیز در نوع خود جالب توجه است. از یکسو بنیامین نتانیا هو می‌گوید هر طرح توافقی را به همه‌پرسی عمومی خواهد گذاشت، تعدادی از اسرای فلسطینی را آزاد خواهد کرد، اما از شهرک‌های احداث شده در سرزمین‌های اشغالی چشم‌پوشی نمی‌کند و به نوعی حاضر نیست دموگرافی فعلی این منطقه را تغییر دهد.

بولی ادلشتاین رئیس کنست رژیم صهیونیستی تأکید کرد که تلاش‌ها برای دستیابی به توافقنامه صلح با تشکیلات خودگردان فلسطین می‌تواند منجر به بروز حوادث خشونت‌بار بیشتر شود. او یگدور لیبرمن وزیر خارجه سابق رژیم صهیونیستی با تأکید بر اینکه مذاکرات کنونی با فلسطینیان محدود به مسائل امنیتی و اقتصادی جزئی است، اظهار داشت که احتمال دستیابی به راه حل سیاسی بعید است.

## جایگاه آمریکا در مذاکرات اخیر سازش

ایالات متحده آمریکا در دور جدید مذاکرات باز هم نقش میانجی را دارد و وزیر امور خارجه این کشور خود این وظیفه را برعهده گرفته است. در این زمینه موارد چندی قابل اشاره است:

۱. آمریکا به عنوان حامی مستقیم رژیم اسرائیل خود یک طرف دعوا به شمار رفته و نمی‌تواند نقش میانجی را بازی کند. کاخ سفید، منافع اسرائیل را بر منافع فلسطینی‌ها ترجیح داده و در دو دهه گذشته تلاش کرده تا بیشترین امتیازات را به نفع متحد خود بگیرد و کمترین فشاری را بر تل‌آویو جهت کوتاه آمدن از مواضع خود جهت برقراری یک صلح حداقلی - دست‌کم براساس تشکیل کشور فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ - وارد نکند.

۲. باراک اوباما در این دور از مذاکرات با انتخاب مارتین ایندیک سفیر سابق خود در تل‌آویو به عنوان فرستاده ویژه، نشان داد که برای آمریکا، منافع صهیونیست‌ها بیشترین اهمیت را دارد چرا که ایندیک به عنوان یک یهودی افراطی طرفدار صهیونیسم بین‌الملل شناخته شده است و نیازی به توضیح ندارد که مواضع او به هیچ عنوان نمی‌تواند کفه ترازوی مذاکرات را دست‌کم در حدود برابر نگه دارد.

۳. مسئله دیگر که در این دور از مذاکرات قابل اشاره است، عدم توجه آمریکا به شهرک‌های ساخته شده در کرانه باختری رود اردن است و همان‌گونه که جان کری وزیر امور خارجه این کشور گفت، واشنگتن برنامه‌ای برای از بین بردن شهرک‌ها ندارد و آنچه به عنوان مذاکرات صلح مطرح شده، برنامه‌ای برای حل مسئله در وضعیت دموگرافی فعلی کرانه باختری است.

۴. براساس اظهارنظر مقامات اسرائیلی، مذاکرات فعلی برای تشکیل کشور فلسطینی نیست، بلکه مقدمه‌ای بر آن است و شامل مسئله آب، مسائل امنیتی و اقتصادی می‌شود. بنابراین در این طرح فلسطینی‌ها باید دوباره امتیاز بدهند.

۵. نتانیاهو با بیان اینکه نتیجه مذاکرات را به همه‌پرسی خواهد گذاشت، از همان ابتدا هیچ تعهدی نسبت به پذیرش نتایج آن نداده است.

## نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، دور جدید مذاکرات سازش که با میانجیگری آمریکا شروع شده، مذاکره‌ای سیاسی برای تشکیل کشور مستقل فلسطینی نیست و هدف از آن، بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی هر سه طرف حاضر در مذاکره از مسئله فلسطین است.

از یک سو آمریکا می‌خواهد وضعیت خود را در منطقه راهبردی خاورمیانه از حاشیه به متن کشانده و پس از ناکامی در عراق، سوریه و عدم پیش‌بینی انقلاب‌های اخیر منطقه، به نوعی معضل بازتعریف جایگاه و اثرگذاری خود بر تحولات منطقه را حل و فصل نماید. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی به دلیل تداوم رفتارهای ضدبشری خود در قبال فلسطینی‌ها به خصوص ادامه شهرک‌سازی در کرانه باختری رود اردن و مصادره زمین‌های آنان در وضعیت دشوار انزوای بین‌المللی قرار گرفته و نیاز به برون‌رفت از این بن‌بست دارد. وضعیت تشکیلات خودگردان فلسطین نیز چندان مناسب نیست زیرا به دلیل تحولات منطقه‌ای، فشار اقتصادی و عدم رسیدن به یک توافق داخلی با جنبش حماس، این تشکیلات هم وضعیت دشواری را تجربه می‌کنند.

با توجه به این شرایط به نظر می‌رسد که هر سه طرف حاضر در این مذاکرات، مذاکره را برای مذاکره می‌خواهند و در نظر گرفتن یک فرصت ۹ ماهه برای آن نیز ناشی از همین رویکرد می‌باشد. بنابراین نتیجه خاصی از این مذاکرات حاصل نخواهد شد و با توجه به موارد مطرح شده در مورد مذاکرات صرفاً اعلام برخی توافقات امنیتی و اقتصادی میان تشکیلات رام‌اله و تل‌آویو به عنوان خوراک تبلیغاتی قابل انتظار خواهد بود.